

«امتداد نهضت فاطمی در جنگ اقتصادی»^۱

حجة الاسلام محمد صادق حیدری

شب سوم فاطمیه دوم - ۱۳۹۹/۱۰/۲۷

خلاصه بحث شب سوم

بیان سطوح مختلف برای قیام عاطفی جامعه زنان در جهت «شکستن الگوی مصرف موجود» با توجه به نمونه‌های حادثه‌ساز از رفتار حضرت زهرا (س) در شکستن عرف‌های مادی

بیان شد که لقب «سیده النساء العالمین» برای حضرت زهرا (س) یک امر تشریفاتی نیست بلکه «جامعه زنان» یک حقیقت انکارناپذیر است که ارزش‌ها و تجلیل‌ها و تحقیرهایی در آن جریان دارد و حضرت فاطمه زهرا (س) توانستند با رفتارها و مجاهدت‌های معجزه‌گون خود، رهبری این جامعه را براساس خصوصت‌های زنانه (مانند: عاطفه، محبت، احساسات و ظرافت) بدست بیاورند و عواطف اجتماعی را به نفع آرمان نهضت نبوی تحریک و به حرکت در آورند.

البته این رهبری، بدون حضور و حساسیت روحی و تمرکز فکری نسبت به تمام ابعاد نهضت نبوی ممکن نبوده و بر اساس آن، رفتارهایی انجام داده‌اند که خبر آن، جامعه مدینه را شرمنده می‌کرد و به لرزه در می‌آورد و همراه می‌نمود. وقتی ازدهای شیطانی قریش (که قطب سیاسی و اقتصادی جزیره العرب بود) به حکومت نوپای اسلام حمله می‌کرد، هم ترس از قدرت نظامی آن و هم ترس از ریختن خون از قوی‌ترین قبیله (بر اساس فرهنگ قبیله‌گرایی) باعث می‌شد کمتر کسی جرأت مقابله پیدا کند. در چنین فضایی، امیرالمومنین (ع) بود که به تعبیر خطبه فدکیه در دهان این ازدها می‌رفت و رفتارهای بی‌نظیر حضرت زهرا (س) در همراهی و پشتیبانی از ایشان بود که باعث انفعال جامعه و جرأت پیدا کردن مسلمان برای شرکت در جهاد می‌شد. بر این اساس وقتی از امام رضا (ع) سوال می‌کنند که چگونه مردم بعد از پیامبر (ص) به غیر علی (ع) تمایل پیدا کردند؟ ایشان می‌فرماید: «لَإِنَّهُ قَدْ كَانَ قَتَلَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَجْدَادِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَأَعْمَامِهِمْ وَأَخْوَالِهِمْ وَأَقْرَبَائِهِمُ الْمُحَادِّينَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ عَدَدًا كَثِيرًا فَكَانَ حَقْدُهُمْ عَلَيْهِ لِدَلِكَ فِي قُلُوبِهِمْ فَلَمْ يُجِبُوا أَنْ يَتَوَلَّى عَلَيْهِمْ...» زیرا امیرالمومنین (ع) برای دفاع از توحید و رسول خدا، تعداد زیادی از پدران و اجداد و برادران و عموها و دایی‌ها و نزدیکان آنها به درک واصل کرد و لذا تمام صاحبان این خون‌ها، از امیرالمومنین کینه به دل گرفته بودند. اما آن کسانی که مردم بعد از پیامبر (ص) دور آنها جمع شدند، چنین کاری نکردند و از قبائل خون به گردن نگرفتند و به این صورت، مردم کینه‌ای از آنها به دل نداشتند. می‌توان گفت آنان با ترک فعالیت جدی در عرصه جهاد، عملاً خود را به عنوان حافظان نظام قبیله‌گرایی معرفی کردند و لذا بسیاری از اشراف و قبائل به آنها متمایل شدند.

حضرت صدیقه طاهره، همین مساله را در یک عبارت کوتاه اما پرمضمون به حضرت علی (ع) بعد از ایراد خطبه فدکیه و رفتن به منزل) عرض می‌کنند که این نشانه‌ای از حساسیت بالای روحی و فکری نسبت به مسائل جبهه حق و بصیرت ایشان نسبت به روابط اجتماعی است: «فَنَقَضَتْ قَادِمَةَ الْأَجْدَلِ فَخَانَكَ رِيشُ الْأَعْوَلِ...» تو آن کسی بودی که پره‌های بزرگ و شهرهای شاهین را شکستی، پس پره‌های بی‌ارزش کسانی

۱. این مباحث در شب‌های فاطمیه دوم (سال ۹۹) در مسجد شهرک صادقیه شهر قم مطرح شده است. جهت دریافت صوت این مباحث به پیام‌رسان «بله و ای‌تا» به نشانی ذیل مراجعه کنید:

که دست به سلاح نمی‌بردند، به تو خیانت کرده». یکی از معانی «اعزل» کسی است که سلاح ندارد؛ همانند سران نفاق که در جنگ‌ها نمی‌جنگیدند تا خونی از قبایل قوی بر گردن نگیرند. این عبارات بی‌نظیر و پر معنا و والا از کسی می‌تواند صادر شود که حضور دائمی و اجتماعی در نهضت نبوی داشته باشد. لذا وقتی نبی اکرم (ص) به سفر می‌رفتند (که غالباً سفرهای ایشان برای جهاد بود) همیشه آخرین نفری که دیدار می‌کردند حضرت زهرا (س) بود و وقتی از سفر برمی‌گشتند، اولین نفری که دیدار می‌کردند نیز صدیقه طاهره (س) بودند. با توضیحاتی که داده شد، نباید این فعل نبی اکرم (ص) را صرفاً بر اساس علاقه پدر به دختر خود تحلیل کرد بلکه می‌تواند تحلیل این کار، چنین باشد که پیامبر در هنگام آغاز و پایان جهاد به دیدار فرمانده پشت جبهه و تحریک کننده‌ی عواطف جامعه می‌رفتند. زیرا با مدیریت حضرت زهرا (س) بر عواطف جامعه بود که همسران و مادران انصار و مهاجرین راضی به جهاد مردان خود می‌شدند. کسی که با رفتار خود «ارزش‌ها»، «تحقیر و تجلیل‌ها» و «معیارهای جامعه» را از محوریت مادی به محوریت الهی تغییر می‌دهد حتی اگر در خانه و مشغول کار منزل و فرزندان باشد، رفتارهای او مانند بمب خبری، در تمام جامعه منتشر می‌شود و مجذوب شدن جامعه و همراهی احساسات اجتماعی با اهداف نهضت را در پی دارد. به طور نمونه، پیامبر (ص) در بازگشت از یکی از سفرهای خود، وقتی (طبق عادت همیشگی) می‌خواستند وارد خانه حضرت زهرا (س) بشوند، دیدند یک پرده جدیدی بر دیوار خانه آویزان شده و بر گردن مبارک آن بانو، یک گردنبند جدید و بر دستان حسنین (ع) نیز دست‌بند جدید قرار دارد، حضرت وارد نشدند و به طرف منبر خود رفتند و ناراحتی در چهره پیامبر نمایان شد. وقتی حضرت زهرا (س) این صحنه را مشاهده کردند بلافاصله (بدون اینکه کلامی بین ایشان و پیامبر مطرح شود) پرده را کردند و گردنبند و دست‌بندها را در آوردند و به کسی دادند تا به نبی اکرم (ص) برساند و این پیام را به ایشان برسانند که دخترتان عرض کردند: «اینها را در راه خدا مصرف کنید». در این حادثه بود که نبی اکرم (ص) سه مرتب فرمودند: «فِدَاهَا أَبَوَاهَا». اگر دیدار همیشگی پیامبر با صدیقه طاهره در خروج از مدینه و بازگشت به آن، به علت رابطه پدر و دختری بود، رفتار پیامبر (ص) با دیدن امکانات جدید در خانه حضرت زهرا (س) نباید تغییر می‌کرد و اجتناب از دیدار معنا نداشت. اما حکومت نبوی به علت درگیر شدن با قطب تجاری جزیره العرب، به شدت در مضیقه اقتصادی و معیشتی قرار داشت و چنین رفتارهایی از پیامبر (ص) و پخش خبر عکس‌العمل بی‌نظیر و عرف شکنانه‌ی حضرت زهرا (س) در مواجهه با رفتار نبی اکرم (ص)، فضای کل جامعه را در تحمل این فشار شدید اقتصادی هماهنگ می‌کرد. زیرا این جامعه نمی‌تواند با الگوی مصرف متداول به جنگ قدرت‌های بزرگ حجاز برود و کسی که با مسابقه در زهد و ورع می‌تواند عواطف جامعه را برای شکستن این الگوی مصرف بسیج کند صدیقه طاهره (س) است.

امروز نیز نظام اسلامی با جنگ اقتصادی از سوی نظام کفر مواجه شده و برخی از موضوعات این جنگ، اموری از قبیل «الگوی تولید، الگوی توزیع و الگوی مصرف» هستند. متأسفانه در این جنگ، متحمل ضربه‌های سنگینی شده‌ایم و مرتباً ارزش پول ملی ما در برابر دلار پایین‌تر آمده و باعث فشار شدید معیشتی به مردم شده است. در مبحث گذشته بیان شد که از اصلی‌ترین دلایل این افت ارزش پول ملی، عدم توازن «الگوی مصرف» با «وضعیت تولید ملی» است که این امر باعث بدهکاری ملی شده و اثر خود را در کاهش مداوم و شدید ارزش ریال نشان می‌دهد. یعنی الگوی مصرف موجود، جامعه را به مطالبه کالاهایی سوق می‌دهد که ابداً تولید ثروت متناسب با خرید آن کالاها در کشور انجام نشده و این روند باعث می‌شود که کفّه واردات دائماً سنگین‌تر از صادرات غیرنفتی باشد. به نظر می‌رسد در این وضعیت، زنان مؤمنه و انقلابی می‌توانند از منزلت عطوفت و اوصاف زنانه در تحریک جامعه برای شکستن این الگوی مصرف بسیار مؤثر باشند و ابتدا در حیطه خانواده خود و سپس با ابراز اجتماعی آن، فضای جامعه را از ارزش‌های مادی به سمت ارزش‌های انقلابی و اسلامی حرکت دهند. به عبارت دیگر، باید زنان انقلابی ما در این جنگ اقتصادی، مدیریت عواطف اجتماعی به نفع نظام اسلامی را بعهده بگیرند و یک قیام عاطفی برای شکستن الگوی مصرف موجود (که با تولید ملی ما هماهنگی ندارد) شکل دهند. پس برای اینکه این مطالب در سطح بیان ضرورت و کلیات

باقی نماند و نقش جامعه زنان در این قیام عاطفی برای تحقق «دفاع مقدس اقتصادی» مشخص شود، می‌توان متناسب با ظرفیت‌های ایمانی متفاوت، سطوح مختلفی از تکالیف را برای جامعه زنان ترسیم کرد:

افرادی که در سطح پایین‌تری از ظرفیت ایمانی هستند همین که الگوی مصرف خانواده خود را منحصر به خرید کالای ایرانی می‌کنند، سهمی در این قیام خواهند داشت؛ چنین کاری گرچه محترم و مقدس است اما کافی نیست. اما کسانی که ایمان بالاتری دارند، به این مطلب توجه می‌کنند که عموم کالاها طبق مدهای جهانی، مرتباً در حال به‌روز شدن است و هر روز سطح بعدی رفاه و سطح بعدی مُد به بازار می‌آید که به دلیل اتکاء به فناوری پیشرفته، قیمت بالایی دارد. وقتی اکثریت اقشار مردم مرتباً تقاضای این نوع کالاها را داشته باشند اما تولید ثروتی که متناسب با این سطح از مصرف باشد، شکل نگیرد، همان بدهکاری ملی و کاهش ارزش پول تداوم خواهد یافت. مقام معظم رهبری نیز چندین سال قبل نسبت به این امر هشدار دادند.^۲ پس کسانی که به دنبال درجات بالاتر ایمانی هستند، می‌توانند با افتخار، به دنبال سطح بعدی و مُد جدید کالاها نروند و به سطح موجود از کالاهایی که دارند اکتفا کنند و از این رفتار، احساس تحقیر نیز نداشته باشند؛ چون این کار را منتسب به ادامه راه صدیقه طاهره (س) در افزایش قدرت اقتصادی برای اسلام می‌دانند.

سطح بعدی از این قیام، مربوط به کسانی خواهد بود که در ظرفیت ایمانی بالاتری قرار دارند و نه تنها به دنبال سطح بعدی و جدید رفاه نمی‌روند بلکه سعی دارند سطح مصرف موجود خود را هم کاهش دهند و از مصارفی که به آن عادت داشته‌اند دست بردارند و به سطح ساده‌تر و کم‌هزینه‌تری خو کنند. البته این کار شاید در ابتدا سخت به نظر برسد اما در برابر کار بزرگ همسران و مادران شهدا بسیار ناچیز است زیرا آنها برای اسلام و انقلاب جان بهترین عزیزان خود را تقدیم کرده‌اند.

وقتی زنان انقلابی ما به نسبت ظرفیت ایمانی خود به این تغییرات مبادرت کنند، قطعاً با سوال، برخورد و تحقیر اطرافیان و اکثر افراد جامعه مواجه خواهند شد، لذا در اینجا است که بروز و ظهور اجتماعی این رفتار برای دفاع از اسلام ضرورت پیدا می‌کند. زیرا شکستن الگوی مصرف حتی در حریم خصوصی خانواده خود، از سوی عرف مادی محکوم می‌شود و با فشار فضای موجود در جامعه زنان مواجه خواهد شد و اگر تبدیل به یک حرکت اجتماعی نشود، این فشارها، زنان مومن را هم از این کار منصرف خواهد کرد. بنابراین باید جو اجتماعی را بشکنند تا بتوانند خانواده خود را نیز حفظ کنند. همانند کاری که خانواده‌های شهدا در دوران جنگ تحمیلی کردند، می‌توانند به نحوی درباره توقف در الگوی مصرف یا کاهش آن، اعلام افتخار کنند و در یک حرکت ایثارگرانه‌ی جمعی به آن مبادرت نمایند که عرف موجود در جامعه زنان تدریجاً تغییر کند و از تحقیر و تجلیل‌های مادی دست بردارد و همراه شود. گرچه ممکن است زنانی که در این حد از ظرفیت ایمانی هستند در جامعه کم باشند اما اگر رفتارهای همین زنان در شکستن الگوی مصرف موجود بروز اجتماعی پیدا کند و با عاطفه و ایثار همراه شود، می‌تواند موج‌های زیادی را برای همراهی با اهداف انقلاب ایجاد کند. همان‌طور که تعداد خانواده‌های شهدا و ایثارگران و رزمندگان به نسبت جمعیت کشور زیاد نبود اما شدت ایثار و فداکاری آنها باعث شرمندگی و همراهی جامعه در تحمل بلاها و مشکلات دروان جنگ تحمیلی شد.

پس سطح دیگری از قیام عاطفی برای شکستن الگوی مصرف موجود نیز متصور است: وقتی که برای ایجاد یک فضای اجتماعی نسبت به این مطلب تلاش شود، تدریجاً معلوم خواهد شد که توان و مقدرات جامعه زنان دارای حد معینی است و لذا نمی‌توان تغییر در الگوی مصرف

۲. مقام معظم رهبری: «در مصارف گوناگون شخصی و خانوادگی، اسراف فردی صورت می‌گیرد. تجمل‌گرانیها، چشم و هم‌چشمی‌ها، هوسرانی افراد خانواده، مرد خانواده، زن خانواده، جوان خانواده، چیزهای غیر لازم خریدن؛ اینها از موارد اسراف است. وسائل تجملات، وسائل آرایش، مبلمان خانه، تزیینات داخل خانه؛ اینها چیزهایی است که ما برای آنها پول صرف می‌کنیم... باید خودمان را اصلاح کنیم. باید الگوی مصرف جامعه و کشور اصلاح شود. ما الگوی مصرفمان غلط است. چه جوری بخوریم؟ چه بپوشیم؟ تلفن همراه توی جیبمان گذاشته‌ایم؛ به مجرد اینکه یک مدل بالاتر وارد بازار می‌شود، این را کآته دور می‌اندازیم و آن مدل جدید را باید بخریم؛ چرا؟!» بیانات در حرم رضوی؛ ۸۸/۱/۱.

را نسبت به هر کالایی اعمال کرد بلکه مثلاً باید معلوم شود در الگوی مصرف جامعه زنان خانه‌دار چه کالاهایی هستند که بیشترین تاثیر را در افزایش واردات و خروج ارز از کشور دارند تا مقدمات بر کنترل مصرف همان کالاها متمرکز شود. پس ایجاد فضای اجتماعی توسط زنان انقلابی، الزاماتی مانند «اطلاع از آمار»، «اولویت‌بندی»، «بررسی‌های تخصصی» و «گفتگوها و جلسات پرسش و پاسخ و مناظرات» دارد تا مطالبه‌گری به نحو معقول باشد و قابلیت تحقق پیدا کند. سپس برای ایجاد حساسیت اجتماعی و حادثه‌سازی، به «تجمع‌ها و تظاهرات زنانه» و... تبدیل شود تا این حرکت عاطفی - اجتماعی، غیرت مردان غافل را به جوش و خروش آورد یا موانع پیش‌روی مردان مجاهد را کنار زند و کلیت جامعه را به حرکت وادارد. این نوع از فعالیت اجتماعی زنان در این موضوعات، اتفاقاً موجب ترویج فضایل اخلاقی و الهی می‌شود. در واقع «حیا» همانند اکثر مفاهیم اخلاقی، مفهوم مطلقى ندارد و همیشه و همه‌جا به معنای پرده‌نشینی نیست بلکه برخی حیاها مذموم هستند همانند حیا در احقاق حق.

حضرت صدیقه طاهره نیز با زهد غیر قابل تصور خود، اخلاق مادی یک جامعه را ذوب می‌کرد. در روایتی از جناب سلمان نقل شده که روزی پیامبر (ص) ایشان را به منزل حضرت زهرا (س) می‌فرستد تا پیغامی را برساند و وقتی صدیقه مرضیه (س) جهت اطاعت امر پیامبر (ص) از منزل خارج می‌شود جناب سلمان می‌بیند چادر حضرت از شدت فرسودگی، دارای ۱۲ وصله از برگ خرما است! وقتی سلمان (که خود به درجه «مُتَا اهل‌البیت» رسیده و در اوج زهد قرار دارد) این صحنه را می‌بیند، به گریه می‌افتد. حضرت زهرا (س) با مشاهده حالت سلمان، با افتخار می‌فرماید: «این زیراندازی که ما شبها روی آن می‌خوابیم، پشت آن در طول روز، محل خوردن غذای شترمان است!» یا نقل شده که حضرت زهرا (س) آنقدر به تنهایی خانه را جارو می‌کرد که اکثراً غبارآلود بود و آنقدر آتش درست می‌کرد که اکثراً پیراهنش دودآلود بود و آنقدر گندم آسیاب می‌کرد که از دستان مبارکشان خون جاری می‌شد. یا در آن ماجرای معروف، وقتی امیرالمومنین (ع) و حضرت زهرا (س) سه روز پی‌درپی، افطار خود را به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند و برای رضای خدا گرسنگی شدید خود و فرزندان خردسال‌شان را تحمل می‌کنند، آنقدر این عمل عظیم است که خدای متعال سوره انسان را در وصف این فعل بزرگ نازل می‌فرماید. اساساً انتشار اخبار چنین افعالی بود که فضای جامعه اسلامی را برای همراهی با نهضت نبی اکرم (ص) در درگیری با کفار تا دندان مسلح آماده و مهیا می‌کرد. یا وقتی امیرالمومنین (ع) متوجه می‌شوند دو روز است چیزی در خانه وجود ندارد تا حضرت زهرا و فرزندان‌شان بخورند، به صدیقه طاهره می‌فرمایند چرا به من اطلاع ندادید؟ حضرت در پاسخ می‌فرماید: «من از خداوند حیا می‌کنم از شما چیزی طلب کنم که در توان‌تان نیست!» در امور مربوط به جنگ اقتصادی نیز باید از خداوند متعال حیا کرد که عدم توجه به قیام برای شکستن الگوی مصرف، حق اسلام را پایمال نکند و اقتصاد مسلمین را زیردست و خاضع نسبت به کفر قرار ندهد. خانواده‌های شهدا در دوران جنگ تحمیلی از خدای متعال حیا کردند و این حیا باعث شد تا علی‌رغم احتمال یک عمر تنهایی و غربت، باز هم عزیز خود را به جهاد بفرستند، حال نباید برای تغییر در الگوی مصرف خود فشاری به مراتب کمتر از خانواده ایثارگران را تحمل کنیم؟!

هر جا پرچم اسلام برافراشته شده و کلمه توحید قدرت پیدا کرده، به دلیل وجود قله‌های زهد و ایثاری بوده است که جامعه با دیدن این قله‌ها، شرم‌نازیده شده و در دفاع از اهداف الهی همراه شده است. به طور نمونه، مقام معظم رهبری نقل می‌کنند که وقتی ازدواج کردیم خانواده همسرم چند فرش را به ما هدیه دادند که دو تای آن جزو جهیزیه همسرم بود. من بخاطر فقر و نیاز طلاب، بقیه فرش‌ها را فروختم و چندین گلیم تهیه کرده و به تعدادی از طلاب دادم. وقتی همسرم متوجه این قضیه شد، به من اعتراض کرد که چرا این دو فرش دیگر (که جهیزیه ایشان بود) را هم انفاق نکردی؟!

به نظر می‌رسد زنان مؤمنه و انقلابی ما چنین سطح از آمادگی را دارند اما نخبگان و ما صاحبان منبر و تربیون‌های مذهبی نتوانستیم وظایف و تکالیف معینی را در این جنگ اقتصادی برای آنان تبیین و تشریح کنیم. زنان مؤمنه ما ضمن شرمندگی در برابر این حد از تحمل زهد حضرت زهرا (س)، حاضرند با قبول مسئولیت و تحمل فشارهای جامعه، الگوی مصرف موجود را بشکنند تا قدرت اسلام در برابر فشارهای اقتصادی نظام کفر بالا برود و مستکبرین و کفار در این جنگ اقتصادی عقب‌نشینی کنند. در واقع از علت‌های عقب افتادن «انتقام سخت»، همین ضعف ما در موضوع اقتصادی است و لذا مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه (بعد از شهادت حاج قاسم سلیمانی) نسبت به ضرورت قوی شدن کشور در موضوع اقتصادی تاکید می‌کنند.

اگر این رویکرد در رفتار عملی زنان ما جریان پیدا کند منشاء آثار تربیتی مهمی در خانه و تربیت فرزندان نیز خواهد شد. یعنی تحقیر الگوی مصرف مادی که در خانواده و جامعه متداول است، باعث خواهد شد در نگاه فرزندان ما همیشه دنیا تحقیر شود و آخرت‌گرایی، مورد تجلیل قرار گیرد. البته آخرت‌گرایی یک حالت فردی نیست بلکه امروزه مصداق آخرت‌گرایی، بالاتر رفتن قدرت اقتصادی، فرهنگی و سیاسی اسلام در برابر کفر است. لذا اگر در نگاه فرزندان ما مطامع دنیا تحقیر شود، قطعاً مظاهر آن نیز (همانند خودنمایی و بد حجابی) نیز تحقیر خواهد شد. فرزندانی که توسط مادرشان در جریان اخبار و فعالیت‌های مربوط به رهبری عواطف جامعه زنان در درگیری با الگوی مصرف غربی قرار بگیرند، حساسیت‌های آنها تغییر کرده و دیگر «مُدها» را با تحقیر نگاه خواهند کرد. اینکه در ابتدای انقلاب مشکل چندانی در امر حجاب نبود و اکثر خانواده‌ها به سمت حجاب حرکت می‌کردند و به آن مفتخر بودند، به این دلیل بود که مردم قدرت اسلام و ایمان را در صحنه عینی درگیری با استکبار جهانی ملاحظه می‌کردند لذا به دیگر مظاهر این قدرت و کارآمدی (مانند زهد و حجاب) نیز علاقه‌مند می‌شدند. اما اگر ما نتوانیم قدرت اسلام را در اداره امور کشور نشان بدهیم و ناکارآمدی و ناهنجاری از ما نمایان بشود، مردم در پوشش و سبک زندگی خود به سمت مظاهر جوامعی تمایل پیدا می‌کنند که قدرت خود در اداره امور و ثبات اقتصادی را به رخ دیگران کشیده‌اند. اگر خانواده‌های مذهبی و متدین، به همان اندازه که به نماز و روزه و عبادات فردی خود اهمیت می‌دهند به تشریفات مادی خانه و الگوی مصرف خانواده اهمیت بدهند، امور دنیوی در چشم فرزندان آنها بزرگ خواهد شد و در سنین بالاتر در برابر جو بدحجابی و مدگرایی جامعه، قدرت مقاومت نخواهند داشت و به آن سمت تمایل پیدا خواهند کرد. زنان انقلابی ما باید کاری کنند که در رفتار فرزندان خود و دیگر زنان نیز نگاه صرفاً مادی به مصرف تحقیر شود زیرا «نگاه حرام» منحصر به نگاه جنسی نیست بلکه نگاه تجلیل‌گر و حسرت‌آلود به یک کالای لوکس نیز در این شرایط، می‌تواند همانند نگاه حرام باشد.

البته برای حل این چالش‌های اقتصادی، داشتن دولت جوان انقلابی برای متناسب کردن الگوی مصرف با الگوی تولید، نقش اصلی و محوری دارد که در مباحث سال‌های گذشته تفصیلاً به ابعاد آن پرداخته شد اما در این بحث از موضع مردم و خصوصاً جامعه زنان نیز سخن به میان آمد تا معلوم شود می‌توان حرکات اجتماعی را پی‌ریزی نمود که دولت‌ها و مسؤولان را تکان دهد. همچنین توجه به این نکته نیز اهمیت دارد که گرچه برخی دانشمندان اقتصاد متداول نیز بر اصلاح الگوی مصرف در ایران تاکید می‌کنند اما چنین تأکیدی معمولاً مبتنی بر مبانی اقتصاد سرمایه‌داری است که بار اصلاح این الگو را تنها بر شانه قشر مستضعف می‌گذارد و نمایش مصرف مسرفانه و تفاخرآمیز و تجملی از سوی طبقات ثروتمند را برای انگیزش اقتصادی ضروری می‌داند و برای اقشار متوسط و ضعیف، حقی قائل نیست جز حق تحریک شدن در برابر این مظاهر مادی! اما بحث ارائه‌شده ابداً این مبانی ضداخلاقی را نمی‌پذیرد و به دنبال آن است تا قشر سرمایه‌دار از محوریت در «تقاضای موثر اجتماعی» عزل شود و انگیزه‌های ایمانی، رهبری الگوی مصرف را به دست بگیرند و به آن، شکلی معقول و ساده بدهند. زیرا جامعه ایمانی برای دستیابی به قدرت اقتصادی، نیازی به محوریت انگیزه‌های مادی ندارد.